

سلسله درس های محدودیت

حلقه چهاردهم

کیفیت دعا

ekalam.ir

دکتر سید محمد بنی هاشمی

سرشناسه: بنی هاشمی، سید محمد، ۱۳۳۹
 عنوان و نام پدیدآور: کیفیت دعا: سلسله درس‌های مهدویت، حلقه چهاردهم / سید محمد بنی هاشمی.
 مشخصات نشر: تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۳۸۹.
 مشخصات ظاهری: ۲۴۰ ص.
 شابک جلد چهاردهم: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۹-۲۲۴-۴
 شابک دوره: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۹-۱۵۸-۲
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا.
 یادداشت: کتابنامه: همچنین به صورت زیرنویس.
 موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. احادیث، مهدویت.
 موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. غیبت، دعاها.
 رده‌بندی کنگره: ۱۳۸۸ س ۸ ب ۲۲۴ BP
 رده‌بندی دیویی: ۲۹۷ / ۴۶۲
 شماره کتابشناسی ملی: ۱۷۲۹۴۱۵

منیر

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۹-۲۲۴-۴ ISBN 978 - 964 - 539 - 224 - 4

کیفیت دعا

سید محمد بنی هاشمی

ناشر: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۹

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

حروفچینی: شبیر / ۷۷۵۲۱۸۳۶

چاپ: صاحب کوثر

دفتر مرکزی: خیابان مجاهدین، چهارراه آبسردار، ساختمان پزشکان، واحد ۹ تلفن و فاکس: ۷۷۵۲ ۱۸۳۶ (خط ۶)
 فروشگاه: تهران، خیابان ایران، خیابان مهدوی‌پور، پلاک ۶۴ تلفن: ۶۶۸۰۱ ۲۳۵ (خط ۴) ۷۵۲۱۸۳۶ (خط ۶) (۰۹۲۵)

وب سایت: <http://www.monir.com>
 پست الکترونیک: info@monir.com

دیگر مراکز پخش: نشر نیک‌معارف، ۶۶۹۵۰۰۱۰ * نشر آفاق، ۲۲۸۴۷۰۳۵ * دارالکتب الاسلامیه، ۵۵۶۲۰۴۱۰
 نشر رایحه، ۸۸۹۷۶۱۹۸ * پخش آینه، ۳۳۹۳۰۴۹۶

۳۸۰۰ تومان





این حلقه به نیابت از:

محدّث بالخلاص

شیخ عبّاس قمّی رحمّہ اللہ

به پیشگاه:

نخستین فدائی سیّدالشّہداء علیہ السلام

جناب حرّ بن یزید ریاحی رحمّہ اللہ

تقدیم می‌گردد.



فهرست مطالب

۱۳	فصل اول: چگونگی دعا برای امام مهدی علیه السلام
۱۳	درس اول: یأس از خلق و اقبال قلبی
۱۳	۱ - یأس کامل از خلق
۱۷	۲ - اقبال قلبی در دعا
	اولین عامل مؤثر در اقبال قلبی: مهم بودن تعجیل فرج امام عصر علیه السلام
۱۸	برای دعا کننده
	دومین عامل مؤثر در اقبال قلبی: اعتقاد عمیق به تأثیر دعا در تعجیل
۲۰	فرج امام زمان علیه السلام
۲۳	درس دوم: رقت قلب و تحصیل تقوا
۲۳	۳ - رقت قلب
۲۴	مواقع پیدایش رقت قلب در انسان
۲۶	استفاده از حال رقت قلب در دعا برای تعجیل فرج
۲۸	۴ - تحصیل تقوا و تهذیب نفس
۳۰	پرهیز از گناه به خاطر مستجاب شدن دعا در حق امام زمان علیه السلام
۳۵	درس سوم: توجه به حق الناس و تحصیل معرفت

۳۵	۵ - بر عهده نداشتن حقّ النَّاس
۳۹	۶ - معرفت به امام عصر علیه السلام و شکر نعمت وجودی ایشان
۴۲	درس چهارم: اصرار در دعا
۴۲	۷ - الحاح و اصرار و دوری از سستی
۴۳	عوامل مؤثر در پیدایش حالت اصرار در دعا
۴۴	نمودهای مختلف اصرار در دعا
۴۷	توسّل به اهل بیت علیهم السلام در دعای عبرات
۵۴	درس پنجم: گریه و زاری
۵۴	۸ - بکاء، ضجّه، تضرّع و ابتهال
۵۵	زمینه سازی برای ایجاد حال بکاء در دعا
۵۷	چگونگی پیدایش حال ضجّه و تضرّع
۵۹	بکاء و ابتهال امام عصر علیه السلام در دعای عبرات
۶۳	درس ششم: توجّه به مظانّ اجابت دعا و نیابت
۶۳	۹ - دعا در حالات مختلفی که وعده اجابتش داده شده
۷۰	۱۰ - نیابت از زندگان و مردگان
۷۴	پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۱ تا ۶
۷۵	فصل دوم: دعای مأثور و غیرمأثور برای امام زمان علیه السلام
۷۵	درس هفتم: مقایسه دعای مأثور و دعای غیر مأثور
۷۶	الف - دعا‌های غیر مأثور
۷۸	مقایسه دعای غیرمأثور همراه با حضور قلب با دعای مأثور بدون آن
۸۱	ب - دعا‌های مأثور
۸۱	برتری دعا‌های مأثور بر غیرمأثور
۸۴	درس هشتم: اهتمام ائمه طاهرين علیهم السلام به دعا در حق امام عصر علیه السلام
۸۶	مضامین دعا‌های ائمه: در حق امام عصر علیه السلام

فهرست مطالب □ ۹

۸۷	 دعای امام عصر علیه السلام برای تعجیل فرج خویش
۹۰	 دعای ارواح پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام در حق امام عصر علیه السلام
۹۴	 درس نهم: دعا در قنوت و سجده
۹۴	 ۱ - دعا در قنوت نماز
۹۵	 دعا در قنوت نماز وتر
۹۷	 دعای قنوت نماز جمعه
۹۸	 ۲ - دعا در حال سجده
۱۰۱	 درس دهم: دعا در تعقیب نمازها (۱)
۱۰۱	 ۳ - دعا در تعقیب نماز
۱۰۴	 تعقیب اول برای نماز واجب
۱۰۵	 تعقیب دوم برای نماز واجب
۱۰۸	 تعقیب سوم در نمازهای واجب
۱۰۹	 تجدید عهد با امام عصر علیه السلام بعد از نماز واجب
۱۱۱	 درس یازدهم: دعا در تعقیب نمازها (۲)
۱۱۱	 تعقیب نماز ظهر
۱۱۵	 تعقیب نماز عصر
۱۱۹	 تعقیب نماز صبح و ظهر
۱۲۰	 تعقیب دو رکعت اول نماز شب
۱۲۲	 درس دوازدهم: زمان‌های مناسب دعا (۱)
۱۲۲	 ۴ - دعا در زمان‌های مناسب
۱۲۲	 دعا در صبح و شام
۱۲۵	 پیدا کردن فرصت برای دعا
۱۲۶	 دعای عهد روزانه
۱۲۸	 دعا در شب و روز جمعه
۱۳۶	 درس سیزدهم: زمان‌های مناسب دعا (۲)

۱۳۶	 دعا در عصر روز دوشنبه و پنجشنبه
۱۴۳	 دعا در روز عید غدیر
۱۴۸	 دعای ندبه در عید غدیر
۱۵۲	 درس چهاردهم: زمان‌های مناسب دعا (۳)
۱۵۲	 دعا در عید فطر و قربان
۱۵۴	 عدم توفیق کامل مسلمانان برای عید فطر و قربان
۱۵۶	 دو نمونه از دعا‌های مأثور در روز عید
۱۵۸	 دعا در روز عرفه
۱۶۴	 درس پانزدهم: زمان‌های مناسب دعا (۴)
۱۶۴	 دعا در ماه مبارک رمضان
۱۷۳	 دعا در شب و روز نیمه شعبان
۱۷۶	 دعای روز دحو الارض
۱۷۸	 درس شانزدهم: زمان‌های مناسب دعا (۵)
۱۷۸	 دعا در روز عاشورا
۱۷۹	 خداوند: طالب خون حسین علیه السلام
۱۸۱	 امام عصر علیه السلام : خونخواه ابی عبدالله الحسین علیه السلام
۱۸۲	 مؤمنان: طلب کنندگان خون امام حسین علیه السلام
۱۸۵	 بهترین عمل در روز عاشورا
۱۹۲	 درس هفدهم: مکان‌های مناسب دعا (۱)
۱۹۲	 ۵ - دعا در مکان‌های مناسب
۱۹۲	 دعا در مسجدالحرام
۱۹۵	 دعا در سرزمین عرفات
۲۰۱	 درس هجدهم: مکان‌های مناسب دعا (۲)
۲۰۱	 دعا در حرم مطهر سامرا و سرداب
۲۰۹	 درس نوزدهم: مکان‌های مناسب دعا (۳)

فهرست مطالب □ ۱۱

دعا در حرم مطهر رضوی	۲۰۹
دعا در زیر قبة سیدالشهداء (ع)	۲۱۱
دعا در مشاهد مشرفه	۲۱۴
دعا در مساجد کوفه، سهله و	۲۱۵
درس بیستم: دیگر دعا‌های مأثور	۲۱۸
۶- دعا‌های غیر مقید به زمان یا مکان خاص	۲۱۸
ذکر صلوات بر حضرت زهرا (ع)	۲۱۸
دعای امام رضا (ع) در حق حضرت صاحب الزمان (ع)	۲۱۹
صلوات ابوالحسن ضراب اصفهانی	۲۲۰
۷- دعای عهد با امام زمان (ع)	۲۲۷
گفتگوی پایانی	۲۲۹
پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۷ تا ۲۰	۲۳۴
فهرست منابع	۲۳۵

پس از آگاهی از انگیزه‌های دعا برای امام عصر علیه السلام و توجه به ضرورت و آثار این عمل شریف، در این حلقه به بحث درباره کیفیت دعا برای آن وجود مقدس می‌پردازیم. برای این منظور ابتدا آدابی را که باید در دعا کردن برای ایشان رعایت شود، مطرح می‌کنیم و سپس به بیان اهمیّت دعا‌های غیر مأثور و معرفی اهمّ دعا‌های مأثور درباره آن حضرت خواهیم پرداخت.

فصل ۱

چگونگی دعا برای امام مهدی علیه السلام

درس اول: یأس از خلق و اقبال قلبی

در این فصل به بیان آدابی درباره دعا در حق امام زمان علیه السلام می پردازیم که رعایت آنها شرایط بهتری برای اجابت آن فراهم می سازد. بیشتر این آداب در دو حلقه گذشته به مناسبت موضوع به صورت کلی مطرح شده است. در اینجا تأکید بیشتر بر رعایت آنها در خصوص دعا برای امام عصر علیه السلام می باشد و توضیحات خاص این موضوع مطرح می شود. ما هم این آداب را ذیل ۱۰ عنوان ذکر می کنیم.

۱ - یأس کامل از خلق

اولین شرطی که به عنوان یک ادب قلبی در دعا به پیشگاه الهی مطرح شد، ناامیدی از خلق خداست.^۱ مطابق حدیث قدسی، خدای

۱. رجوع شود به درس اول از حلقه پیشین.

متعال از حضرت عیسیٰ علیه السلام خواسته بود که وقتی دعا می‌کند، حال غریقی را که هیچ فریادری ندارد، داشته باشد^۱ و به هیچکس جز خدای متعال امید نبندد. در این صورت است که هر چه از خدا بخواهد به او عطا می‌فرماید.^۲

رعایت این ادب در همه دعا‌های انسان هم ممکن است و هم مطلوب؛ چه دعا برای انجام کار بشری باشد و چه یک کار خدایی.^۳ در کارهای بشری مقدمات اختیاری‌ای که بشر فراهم می‌کند، انتظار طبیعی برای تحقق نتیجه را به وجود می‌آورد، اما در کارهای خدایی با وجود مقدمه چینی‌های بشری نتیجه‌ای که به دست می‌آید، بسیار برتر از انتظاری است که آن مقدمات ایجاد می‌کند. به عنوان مثال کسی که برای قبولی در کنکور دانشگاه زحمت زیادی می‌کشد و پایه علمی مناسبی هم دارد، طبیعتاً هم خودش و هم دیگران انتظار دارند که رتبه‌اش در کنکور، رتبه بالایی باشد. برعکس، کسی که سطح علمی خوبی در طول تحصیل دبیرستان و پیش دانشگاهی نداشته و تلاش زیادی هم در جهت آماده کردن خود برای شرکت در کنکور نکرده است، به روال عادی و طبیعی، انتظار کسب رتبه بالایی در کنکور ندارد. این دو فرد ممکن است برای قبولی و به دست آوردن رتبه خوب در کنکور دعا کنند، اما معمولاً حال متفاوتی در دعای خود دارند. اولی به دلیل شرایط خوبی که دارد، معمولاً حالت ناامیدی و یأس کامل از غیر

۱. بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۱۴، ح ۱۱.

۲. همان، ح ۱۹.

۳. تعریف کار بشری و کار خدایی در درس نوزدهم از حلقه نهم آمده است.

خدا را ندارد؛ ولی دومی چون اتّکای چندانی به خودش ندارد، علی القاعده امید بیشتری به دستگیری خداوند دارد. حالت انقطاع (بریدن) از خلق به سوی خداوند در وقتی که انسان دست خود را خالی می‌بیند، بیشتر و بهتر برایش حاصل می‌شود. از همین جهت است که دومی چون حسابی برای خود و تلاش‌هایش باز نمی‌کند، کسب رتبه خوب در کنکور را یک کار خدایی می‌بیند و با حال انقطاع بیشتری دعا می‌کند؛ در حالی که فرد اوّل چون خود را چنان نیازمند دعا احساس نمی‌کند، حال انقطاعش معمولاً کمتر است. البتّه سفارش ائمّه علیهم السلام این است که انسان نباید فریب فراهم بودن شرایط - به حساب ظاهری - را بخورد و این باعث شود که بر وجود اسباب و وسائط تکیه و اتّکا نماید. هر چه معرفت انسان به قدرت الهی بیشتر و عمیق‌تر باشد، حساب کمتری روی وجود شرایط و اسباب ظاهری باز می‌کند و در این صورت است که آن فرد اوّل هم می‌تواند - با داشتن معرفت صحیح - با حال انقطاع کامل به پیشگاه خداوند دعا کند.

با توجّه به این مثال روشن می‌شود که هر چه کار خدایی‌تر باشد، حال یأس از خلق و انقطاع کامل به سوی خداوند بهتر و راحت‌تر حاصل می‌شود و شرایط اجابت دعا زودتر فراهم می‌گردد. با این ترتیب می‌توانیم بگوییم که چون طبق آیات و روایات، ظهور امام عصر علیه السلام و تحقّق وعده‌های الهی در آن زمان یک کار خدایی و غیر بشری خواهد بود، دعا برای تعجیل فرج همراه با یأس کامل از خلق و انقطاع به سوی خداوند می‌باشد.

اگر انسان به الهی بودن امر ظهور حضرت توجّه و باور عمیق پیدا

کند، خود به خود برای آنچه به عنوان ادای تکلیف در زمان غیبت انجام می‌دهد - با وجود اهمّیت و لزوم آن - حسابی باز نمی‌کند و بر آن، اتّکایی نخواهد داشت. در این صورت وقتی تحقّق فرج مولایش را از خداوند می‌طلبد، حال غریقی را دارد که هیچ فریادری برای خود نمی‌شناسد و امیدی به هیچ چیز و هیچکس جز خداوند متعال نمی‌بندد. این گونه دعا کردن برای تعجیل فرج حال خاصّی در فرد ایجاد می‌کند که همین حال شرایط بهتری برای اجابت دعا فراهم می‌آورد. اکنون سؤال این است که آیا دعاها برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام این گونه است؟ چند درصد شیعیان، اهل دعا برای جلو افتادن ظهور امام علیه السلام هستند و از میان آنها چند درصدشان در دعاها خود، چنین حالی دارند؟ آیا تا کنون اتفاق افتاده است که یک دعای ما - بله فقط یک دعا - برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام همچون دعای بیچاره و در مانده‌ای باشد که برای شفای بیمار سرطانی‌اش - وقتی از همه اسباب و راه‌های عادی شفا گرفتن قطع امید کرده است - خدا را می‌خواند؟

متأسّفانه دوستداران امام زمان علیه السلام یا چنانکه باید، اهل دعا برای تعجیل فرج نیستند و یا اگر هستند، نوعاً با حال انقطاع کامل به سوی خداوند دعا نمی‌کنند. شاید یکی از عوامل مستجاب نشدن دعاهایشان، همین عدم انقطاع باشد. به هر حال خوب است در کیفیت دعاها ایمان برای حضرت تجدید نظر جدّی کنیم و با عمق بخشیدن به باور خود، به استقبال حال یأس از خلق برویم و این ادب قلبی دعا کردن را بهتر در خود ایجاد نماییم تا امیدمان به اجابت دعاهایمان بیشتر گردد.

۲ - اقبال قلبی در دعا

دومین عملی که رعایت آن در بهتر شدن دعا برای امام عصر علیه السلام بسیار مؤثر می باشد، اقبال قلبی در دعاست. این امر به عنوان اوّلین شرط اجابت دعا مورد بحث قرار گرفت.^۱ مقصود از اقبال قلبی این است که وقتی انسان چیزی را به زبان از خداوند طلب می کند، با روح و قلب خود نیز همان را بخواهد. اگر در همه حال قلبش متوجّه مطلوبش نیست، لااقل در هنگام دعا کردن خواسته دلش را به زبان بیاورد. مبادا فقط به زبان چیزی را بگوید، اما قلبش رو به سوی آن نداشته باشد.

در دعا برای امام عصر علیه السلام - به خصوص در تعجیل فرج آن حضرت - باید به رعایت این شرط توجّه کافی نماییم. آیا وقتی خداوند را می خوانیم تا فرج مولایمان را به جلو اندازد، روح و قلب ما هم این خواندن را همراهی می کند یا فقط لقلقه زبانمان است؟ معمولاً اگر تحقیق چیزی برایمان اهمّیت داشته باشد و دل بستگی روحی به آن داشته باشیم، اقبال قلبی مان در هنگام خواستن آن بیشتر و عمیق تر است. همچنین اگر نفس دعا کردن برای مایک عمل باارزش و اساسی تلقی شود و آن را ناچیز و کم ارزش ندانیم، در هنگام دعا اقبال قلبی بیشتری خواهیم داشت. کسی که قلباً حساب زیادی برای دعا باز نمی کند و آن را مهم و تعیین کننده اصلی نمی داند، به طور طبیعی در وقت دعا توجّه و اقبال روحی کمتری خواهد داشت.

اولین عامل مؤثر در اقبال قلبی:

مهم بودن تعجیل فرج امام عصر علیه السلام برای دعا کننده

حال بنگریم آیا تعجیل فرج امام زمان علیه السلام برای مایک امر مهم و اساسی به حساب می آید یا خیر. اگر بخواهیم به این سؤال پاسخ درستی بدهیم، باید آن را با امور دیگری که در زندگی برایمان اهمیت دارد، مقایسه کنیم. هر کس ببیند با توجه به شرایط خاص خود، چه چیزهایی برایش در درجه اول اهمیت قرار دارد. مثلاً برای عموم انسان ها شغلشان اهمیت خاصی دارد؛ چون محل درآمد و وسیله امر معاششان می باشد. بنابراین اموری که به اصل شغلشان یا حیثیت شغلی شان مربوط می شود، برای آنان مهم تلقی می شود. نشانه این اهمیت دادن آن است که اگر کاری باعث ضربه زدن به اصل شغل آنها شود یا ایشان را از لحاظ شغلی نزد همکاران خود بی اعتبار کند، به شدت نسبت به آن عکس العمل نشان می دهند. با این حساب طبیعی است که اگر مشکلی برای شغلشان پیدا شود، مثلاً به نحوی شغل آنها به مخاطره افتد یا حیثیت شغلی شان لگه دار شود، با اقبال قلبی کامل دست به دعا بلند کرده، با همه روح و جانشان از خدا رفع مشکلشان را می طلبند. تقریباً محال است که کسی گرفتاری جدی شغلی - آن شغلی که اصل درآمدش به آن وابسته است - پیدا کند و وقتی برای رفع آن دعا می کند، حواسش به دعایش نباشد و قلبش زبانش را همراهی نکند. چنین کسی در وقتی که دعا نمی کند هم قلبش مشغول گرفتاریش است؛ چه برسد به زمان دعا کردن که به طریق اولی دلش متوجه چیز دیگری نیست.

اکنون بیاییم مقایسه کنیم و ببینیم آیا ما دوستانِ امام زمان علیه السلام گرفتاری غیبت ایشان را به اندازه گرفتاری شغلی مان مهم می‌دانیم؟ آیا از عدم حضور علنی آن حضرت، نصف اندازه‌ای که کسب و کارمان به مخاطره افتد، پریشان شده‌ایم؟ آیا به سامان نبودن اوضاع و احوال مادر غیبت مولایمان به اندازه به هم خوردن وضعیّت شغلی مان، ما را ناراحت و گرفتار کرده است؟ پاسخ ما به این پرسش‌ها تعیین کننده طبعی میزان اقبال قلبی ما در دعا برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام است. اگر غیبت طولانی امام عصر علیه السلام نصف یا حتّی ثلث اندازه‌ای که گرفتاری شغلی مان ناراحتان می‌کند، پریشانمان کرده باشد، طبیعتاً در دعا برای رفع غیبت آن حضرت تا حدّی توجّه و اقبال قلبی خواهیم داشت و اگر چنین نباشد، باید فکر دیگری به حال خود بکنیم.

فکر دیگر می‌تواند این باشد که از جنبه معرفتی ارتباط روحی خود را با امام زمان علیه السلام اصلاح کنیم تا آنچه برایمان مهم نیست، اهمّیّت یابد یا آنچه کمتر مهمّ است، اهمّیّت بیشتری پیدا کند. اگر غیبت امام عصر علیه السلام برای ما نصف اندازه گرفتاری شغلی مان اهمّیّت ندارد، نشانگر عدم معرفت صحیح ما به آن حضرت و جایگاه رفیع امامت در اعتقاد شیعی ماست. باید به اصلاح و تصحیح اعتقاد خود به امامت و امام علیه السلام بپردازیم. اگر در برداشتن این قدم موفق شویم، به طور طبیعی هم اهل دعا برای امام زمان علیه السلام و تعجیل فرج ایشان خواهیم شد و هم اقبال قلبی ما در دعا محقّق می‌گردد. کسی که از داشتن چنین معرفت و حال روحی محروم است، در هنگام دعا اقبال قلبی کامل نخواهد داشت و تنها کاری که از دستش برمی‌آید، این است که با تلقین فکری و روحی

در وقت دعا کردن تا حدی حال اقبال قلبی را در خود ایجاد نماید؛ یعنی با تمرکز دادن حواس خود و ایجاد شرایط مطلوب تر از جهت حال و هوای معنوی سعی کند لااقل در هنگام دعا کردن، دل و جان خود را با زبان خود همراه و هماهنگ کند. دعا با چنین حال و هوایی علاوه بر اینکه به اجابت نزدیک تر است، در روح و روان دعاکننده نیز اثر می‌گذارد و اتصال قلبی او را با مطلوب خود عمیق تر و محکم تر می‌سازد. تکرار این کار، این اتصال را قوی تر می‌سازد و اگر این گونه دعا کردن به طور منظم در برنامه زندگی فرد قرار بگیرد، کم کم انس قلبی او با امام زمان علیه السلام بیشتر می‌شود و حال دعا برای تعجیل فرج آن حضرت در او دوام بیشتری پیدا می‌کند و آنچه برایش اهمیت چندانی نداشت، به تدریج مهم تر و اساسی تر خواهد شد.

دومین عامل مؤثر در اقبال قلبی: اعتقاد عمیق به تأثیر دعا در تعجیل فرج امام زمان علیه السلام

دومین عاملی که در تقویت اقبال قلبی دعاکننده برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام مؤثر است، اعتقاد و باور عمیق او به تأثیر خاص دعاست. هر عاملی که انسان را در رسیدن به مقصود و مطلوبش کمک کند، دل و جان او را به سوی خود متوجه می‌سازد. هر قدر تأثیر این عامل را در رساندن او به هدفش بیشتر بدانند، در ایجاد آن اهتمام و اقبال قلبی بیشتری هم خواهد داشت. به عنوان مثال کسی که بیماری دارد و به دنبال معالجه و درمان اوست، عوامل مختلفی را که مؤثر در درمان است، می‌جوید و در میان آنها هر یک را که مؤثرتر بداند، با اهتمام و توجه بیشتری سراغ می‌گیرد. هر قدر اعتقادش به پزشک معالج و

تشخیص و درمان‌گری او عمیق‌تر باشد، فکر و حواسش بیشتر متوجّه او می‌شود و با اقبال قلبی کامل‌تری به نسخهٔ پزشک دل می‌دهد و به آن عمل می‌کند. حال اگر همین اعتقادی که به تأثیر درمان پزشک دارد، به دعا برای شفای بیمارش داشته باشد، همان قدر اقبال قلبی در دعاهایش برای بهبودی آن بیمار خواهد داشت. اگر اعتقاد به تأثیر دعا در شفای بیمار ضعیف شود، اقبال قلبی او در هنگام دعا کمتر و اگر این باور قوی گردد، آن اقبال قلبی هم بیشتر خواهد شد؛ یعنی میزان اقبال قلبی دعا کننده در دعایش بستگی به میزان باور او به تأثیر دعا در رسیدن به مقصودش دارد.

همین امر دربارهٔ دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام نیز ساری و جاری است. کسی که باور چندانی به تأثیر دعا در جلو انداختن ظهور آن حضرت ندارد، به طور طبیعی، اقبال قلبی چندانی در دعاهایش برای تعجیل فرج ندارد. هر چه این باور عمیق‌تر شود، اقبال قلبی دعا کننده هم بیشتر می‌شود. بنابراین اگر کسی - مطابق فرمایش امام صادق علیه السلام دربارهٔ تأثیر ضجّه و گریه در تعجیل فرج^۱ - برای دعا نقش تعیین کننده و اصلی در جلو افتادن زمان ظهور امام عصر علیه السلام قائل باشد، خواه ناخواه در هنگام دعا برای تعجیل فرج، روح و روانش متوجّه آن است و هرگز با قلب بی‌توجّه و غافل (به تعبیر روایات ساه^۲ یا لاه^۳) زبان به دعا کردن نمی‌گشاید.

۱. رجوع کنید به درس هفدهم از حلقهٔ گذشته.

۲. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب الاقبال علی الدعاء، ح ۱.

۳. همان، ح ۲.

نتیجه کلی بحث این است که برای ایجاد و تقویت طبیعی اقبال قلبی در دعا برای تعجیل فرج باید دو عامل را تقویت کرد: اول این که وابستگی و دلبستگی روحی و معرفتی خود را به امام عصر علیه السلام و جلو افتادن فرج ایشان بیشتر کنیم و دوم اینکه اعتقاد و باور خویش را به تأثیر جدی و عمیق دعا در تعجیل فرج آن حضرت تحکیم نماییم. البته عوامل دیگری هم می تواند در تقویت این اقبال قلبی مؤثر باشد، ولی به نظر می رسد که این دو عامل نقش اساسی تری در بین بقیه عوامل دارند.



درس دوم: رقت قلب و تحصیل تقوا

در درس گذشته در مورد دو آداب از آداب دعا کردن برای امام عصر علیه السلام سخن گفتیم. در ادامه به آداب دیگر می‌پردازیم.

۳ - رقت قلب

عامل مهم دیگری که در اجابت دعا بسیار مؤثر است، رقت قلب دعاکننده در هنگام دعاست. در گذشته با میزان تأثیر این امر در اجابت دعا تا حدی آشنا شدیم^۱ و دانستیم که طبق فرمایش پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم برای اینکه زودتر خواسته ما مستجاب شود، باید در هنگام رقت قلب به پیشگاه الهی دعا کنیم و به تعبیر ایشان دعا را در آن وقت مغتنم بشماریم.^۲ خود ائمه علیهم السلام به این حقیقت تذکر داده‌اند که قلب انسان همیشه در یک حال نیست، گاهی حال رقت دارد و گاهی قساوت، گاهی نرم است و گاهی سخت. البته افراد از این جهت یکسان

۱. درس شانزدهم از حلقه دوازدهم.

۲. بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۱۳، ح ۱۷.

نیستند؛ برخی رقت قلبشان بیشتر است و برخی قلب سخت تری دارند. دسته اول هم به لحاظ زمانی، رقت قلبشان طولانی تر است و هم از جهت عمق و شدت این رقت، بالاتر از دسته دوم قرار می گیرند. اما حتی کسانی که عموماً و در بیشتر اوقات رقت قلب ندارند، بالأخره حالاتی برایشان پیش می آید که به اصطلاح دلشان می شکند و از آن سختی و صعوبت قلبی خارج می شود. پس اینها هم رقت قلب را تجربه می کنند و بنابراین هر کس در زمان هایی دارای رقت قلب می باشد که اگر قدر آن را بدانند، می تواند در همان حال برای تعجیل فرج مولای غریبش دعا کند.

مواقع پیدایش رقت قلب در انسان

ما می توانیم انسان ها را از جهت رقت قلب برای امام زمان علیه السلام و دعا برای تعجیل فرج ایشان به درجات مختلفی رده بندی کنیم. برخی چنان اتصال روحی و قلبی قوی با امامشان دارند که صرف یاد کردن از گرفتاری غیبت آن حضرت، دلشان را به درد می آورد و آن را نرم و رقیق می سازد. اینها مشکل چندانی برای اینکه با حال رقت قلب برای تعجیل فرج مولایشان دعا کنند، ندارند. اما تعداد این گونه افراد نسبت به سایرین کم و ناچیز است. بیشتر مردم به صرف توجه کردن به ناراحتی های مولایشان در زمان غیبت، حال رقت قلب پیدا نمی کنند. اما همین گروه در زندگی عادی خود، تعلقات خاطری دارند که به خاطر آنها قلبشان رقت خاصی پیدا می کند. به عنوان مثال نوع مردم در مصیبت های شخصی خود دلشکسته و منقلب می شوند. وقتی کسی عزیز خود را - پدر، مادر، فرزند یا ... - از دست می دهد، یاد و خاطره او حالت رقت قلب را برایش ایجاد می نماید. همچنین گاهی دردها و

رنج‌هایی که در زندگی برای انسان پیش می‌آید، دلش را به درد می‌آورد و حتّی ممکن است اشکش را درآورد. مسائل مادی و معیشتی هم می‌تواند در برخی افراد چنین اثری بگذارد. اینها چیزهایی است که برای انسان‌های عادی - هرچند که به لحاظ ایمان و معرفت چندان مرتبه بالایی نداشته باشند - پیش می‌آید.

علاوه بر اینها، اهل ایمان به خاطر تعلّق خاطری که به اهل بیت علیهم السلام به خصوص حضرت سیدالشهداء علیه السلام دارند، در مناسبت‌های خاصّی که در طول سال وجود دارد - به ویژه ایّام محرّم و دهه عاشورا یا شب‌های احیا در ماه مبارک رمضان - در مصائب خاندان عصمت و طهارت رقت قلب خاصّی پیدا می‌کنند.

از بزرگ‌ترین نعمت‌های خداوند بر ما شیعیان این است که هرچند در طول سال از یاد اهل بیت علیهم السلام غافل باشیم، امّا در ایّام مصیبت یا اعیادی مانند عید غدیر و نیمه شعبان معمولاً در مجالس عزاداری یا جشن شرکت می‌کنیم و به این وسیله ارتباط روحی خاصّی - هرچند گذرا و سطحی - با موالی خود پیدا می‌کنیم. نوعاً در مراسم عزاداری - به خصوص در مصیبت امام حسین علیه السلام و سایر شهدای کربلا - بر احوال خاندان وحی رقت قلب پیدا می‌کنیم و بسیاری مواقع با گریه کردن دل‌های گناهکار خود را جلا و صفا می‌دهیم. به لطف خدای منّان و عنایت امام عصر علیه السلام کسانی هم که اهل برخی گناهان هستند، ارتباط روحی خود را با اهل بیت علیهم السلام به طور کامل قطع نمی‌کنند و حدّاق در روزهای تاسوعا و عاشورا و شب‌های احیا و امثال آن در مجالس عزای جشن شرکت می‌کنند. این خود باعث می‌شود که پیوند با ائمه علیهم السلام - که با انجام گناهان سست شده است - برای فرد فاسق بار دیگر برقرار شود.

استفاده از حال رقت قلب در دعا برای تعجیل فرج

با این ترتیب ملاحظه می‌کنیم که حال رقت قلب در عموم مردم در مسائل روزمره زندگی‌شان وجود دارد و در اهل ایمان هم این حال نسبت به خود ائمه علیهم‌السلام به صورت پراکنده و در مناسبت‌های خاص به چشم می‌خورد. حال می‌توانیم بفهمیم که از وجود این حال چگونه در امر دعا برای تعجیل فرج، حُسن استفاده را ببریم. اگر کسی دعا در حق امام زمان علیه‌السلام و به خصوص برای تعجیل فرج ایشان را یک کار مهم و اساسی بداند، می‌تواند از رقت قلبی که در امور دیگر خود دارد، در دعاهایش بهره‌مند شود.

مثلاً کسی که پدرش فوت شده یا مصیبتی قلبش را به درد آورده، اگر غافل نباشد، می‌تواند در همان حالی که به خاطر مسائل شخصی‌اش رقت قلب پیدا کرده، از آن حال و هوا در دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه‌السلام استفاده کافی را ببرد. در واقع دل‌شکستگی‌اش را خرج امامش کند و ایشان را در دعا بر خود مقدم بدارد. همچنین کسانی که در عزای اهل بیت علیهم‌السلام - به ویژه مصائب سرور شهیدان حضرت ابا عبدالله الحسین علیه‌السلام و یاران و خانواده آن بزرگوار - رقت قلبی پیدا می‌کنند، اگر قدر حال خود را بدانند، از آن برای دعا بر تعجیل فرج امام غریب و مظلوم‌شان بهره می‌برند؛ یعنی در همان وقتی که دل‌هایشان در غم اهل بیت علیهم‌السلام شکسته و احیاناً اشک‌هایشان هم جاری شده، برای فرج مولایشان دعا می‌کنند و این بیشترین فایده‌ای است که از رقت قلبشان نصیب ایشان می‌گردد.

چه خوب است که شیعیان از این نکته غافل نباشند و از حال و هوای

معنوی خود در مسیر جلو انداختن ظهور امام عصر علیه السلام استفاده کنند. برای تأمین این هدف باید در مجالس عزای اهل بیت علیهم السلام به این حقیقت توجّه داده شود که حیف است گریه‌ها و دل‌شکستگی‌های افراد مقدّمه دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام قرار نگیرد. بنابراین اگر عموم افراد از این امر غافل هستند، باید کسانی که توجّه دارند، تذکّر لازم را در این خصوص بدهند تا عزاداران در همان لحظاتی که رقت قلب دارند، برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام دعا کنند. اگر مجالسی که برای عزاداری در مصیبت اهل بیت علیهم السلام به خصوص سیدالشهداء علیه السلام - برگزار می‌شود، به دعا بر تعجیل فرج امام عصر علیه السلام منتهی گردد، قطعاً بیشترین بهره معنوی از آن مجالس نصیب عزاداران و سایرین خواهد شد.

یکی از مهم‌ترین برکات این عمل شریف، جلب دعا‌های امام زمان علیه السلام در حقّ دعا کنندگان می‌باشد. در کتاب شریف «مکیال المکارم» یکی از آثار دعا در حقّ امام زمان علیه السلام دعای آن حضرت در حقّ دعا کننده شمرده شده و ادّله‌ای برای اثبات این مطلب مطرح گردیده است. سپس مؤلف بزرگوار رؤیای صادقانه یکی از برادران صالح خود را به عنوان مؤید نقل فرموده که از وجود مقدّس امام عصر علیه السلام در خواب شنیده است که فرموده‌اند:

إِنِّي أَدْعُو لِكُلِّ مُؤْمِنٍ يَدْعُو لِي بَعْدَ ذِكْرِ مَصَائِبِ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ
فِي مَجَالِسِ الْعَزَاءِ.^۱

البته من دعا می‌کنم برای هر مؤمنی که پس از ذکر مصائب سیدالشهداء (علیه السلام) در مجالس عزاداری برای من دعا نماید. از این رو دعای مؤمنان در مجالس روضه سیدالشهداء (علیه السلام) می‌تواند منشأ خیر و برکت فراوانی برای خود دعاکنندگان باشد.

نکته دیگری که به خاطر اهمیت رقت قلب در هنگام دعا می‌توان گفت، این است که: گاهی انسان از متن دعایی که می‌خواند، دلش می‌شکند و با سوز دل دعا می‌کند؛ که اگر چنین حالی پیدا شود، بسیار خوب است. اما در بسیاری مواقع برای بسیاری از افراد چنین حالی حاصل نمی‌گردد. در این صورت یکی از بهترین اسباب برای ایجاد رقت قلب یاد کردن از مصائب اهل بیت (علیهم السلام) است که هم خودش یک عبادت بزرگ می‌باشد و هم زمینه‌ساز اجابت دعای انسان می‌گردد. ما این مطلب را در گذشته به مناسبت بحث درباره «بکاء» و «تباکی» که از آداب دعا به شمار می‌آیند، با ذکر ادله‌اش مطرح ساختیم.^۱ نتیجه اینکه از راه‌های مجاز می‌توانیم رقت قلب لازم برای اجابت بهتر دعا را در خود و دیگر دعاکنندگان ایجاد نماییم و نباید خود را از این امکان بی‌نصیب کنیم.

۴ - تحصیل تقوا و تهذیب نفس

مطابق تعالیم نورانی اهل بیت (علیهم السلام) یکی از شرایط لازم برای اجابت دعا، تقوای دعاکننده و پاک بودن نفس او از آلودگی گناهان است. مطابق حدیثی که در گذشته از امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل کردیم، علت

اجابت نشدن بسیاری از دعاها، خیانت قلبی دعاکننده از هشت جهت می‌باشد.^۱ یکی از این جهات، نداشتن خوف واقعی از آتش غضب الهی است. خوف واقعی به فرمودهٔ امام سجّاد علیه السلام به صرف گریستن از ترس عقوبت خدا، حاصل نمی‌شود، بلکه تنها شرطش داشتن ورع لازم برای بازداشتن انسان از گناهان است.^۲ نبودن چنین خوفی در انسان خیانت قلب شمرده شده، مانع اجابت دعای انسان می‌گردد. همچنین است بد زبان بودن (بذاء) که مصداق دیگری از ناپاکی قلب انسان می‌باشد. این هم یکی از موانع اجابت دعا شمرده شده است.^۳

علاوه بر اینها اگر انسان عیوب دیگران را ببیند، ولی از عیب‌های خودش غافل باشد یا دیگران را به خاطر چیزهایی ملامت کند که خودش به ملامت به خاطر آنها سزاوارتر است، این خصوصیات هم می‌تواند مانع اجابت دعا گردد.^۴

این تأکیدات نشان می‌دهد که ما باید در کنار اهمّیت دادن به دعا برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام رعایت تقوا و ورع را نیز مهم تلقّی کنیم و اگر می‌خواهیم دعاهایمان در حقّ مولایمان مستجاب گردد، به صرف اینکه با رقت قلب و حال و هوای معنوی برای ایشان دعا کنیم، راضی نشویم. متأسّفانه گاهی مشاهده می‌کنیم کسانی را که با وجود اصرار و تأکیدی که بر دعای برای حضرت - هم خودشان و هم برای دیگران -

۱. درس چهاردهم از حلقهٔ دوازدهم.

۲. بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۳۵، ح ۲۵، به نقل از عدّة الدّاعی.

۳. بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۷۷، ح ۱۸، به نقل از فلاح السّائل.

۴. همان، ص ۳۷۶، ح ۱۷، به نقل از دعائم الدّین.

دارند، نشانه‌ای از تقوا و ورع در آنان نیست. برخی از روی نادانی چنین می‌پندارند که ارتباطی بین اجابت دعایشان با سلامت و پاکی قلبشان وجود ندارد و اصلاً ممکن نمی‌دانند که به خاطر ارتکاب برخی گناهان، دعاهایشان در حقّ مولا ایشان بی‌فایده باشد. گاهی نه تنها دعاکننده اهل ورع و پرهیز از گناهان نیست، بلکه حتّی در هنگام دعا برای امام زمان (علیه السلام) و در ضمن آن هم مرتکب معصیت می‌شود! واقعاً شگفت‌آور است. آیا دعا برای تعجیل فرج همراه با موسیقی غنایی یا اختلاط نامحرمان بایکدیگر، مقبول و مستجاب است؟! چنین کسانی بدون آنکه بفهمند و بخواهند، با این کارها در واقع خود را و دعا برای امام عصر (علیه السلام) را به مسخره و استهزاء گرفته‌اند، العیاذ بالله!

دعا به پیشگاه خداوند یک عبادت بسیار ارزشمند و گرانقدر است و باید مراقب بود که این عمل شریف با معصیتی آلوده نشود و خدای ناکرده، به ابتذال کشیده نشود. اگر چنین مراقبتی صورت نگیرد، روح دعا از بین می‌رود و آنچه می‌ماند، چیزی جز یک تابلوی ساختگی و مصنوعی از آن نیست.

پرهیز از گناه به خاطر مستجاب شدن دعا در حقّ امام زمان (علیه السلام)

دعاکننده برای امام زمان (علیه السلام) باید بداند که پرهیز نکردن از گناهان - حتّی یک گناهی که آن را کوچک می‌شمارد - می‌تواند او را از فیض دعاهایش محروم نماید. بنابراین اگر واقعاً امام خود را دوست دارد، بکوشد به خاطر ایشان هم که شده، از گناهانش توبه کند و همان‌طور که خود ائمه (علیهم السلام) سفارش فرموده‌اند، پیش از عرض حاجت خود به تک‌تک گناهانش اعتراف نماید و تصمیم قطعی بگیرد که دیگر به سوی

آنها باز نگردد.^۱

ممکن است کسی را دوست داشته باشیم که گرفتار بلاها و مصیبت‌هایی باشد، همچنین بدانیم که دعایمان در رفع گرفتاری‌های او مؤثر و مفید است، خودش هم از ما خواسته باشد که برایش دعا کنیم، با این همه دعا کنیم ولی اثر نبینیم. سپس متوجّه شویم که مانع استجاب دعا چیزی است که خودمان ایجادش کرده‌ایم و با تصمیم و اختیار خودمان قابل رفع است. اگر واقعاً آن شخص را دوست داشته باشیم و بخواهیم رفع ناراحتی و گرفتاری از او بشود، آن مانع را رفع نمی‌کنیم؟ آیا اگر نسبت به این امر بی‌خیال باشیم و در صدد رفع مانع بر نیاییم، باز هم می‌توانیم ادّعی دوست داشتن او را بکنیم؟ در این صورت اگر در این ادّعا دروغ نگوئیم، حداقل این است که درجهٔ محبّت ما به او بسیار ضعیف و ناچیز است. محال است کسی را زیاد دوست داشته باشیم و او را گرفتار ببینیم و بتوانیم با اقدام خود در جهت رفع گرفتاری‌اش کاری بکنیم، امّا ساکت بنشینیم.

اگر فرد راستگویی به ما بگوید که می‌خواهم پولی یا شغلی به شما بدهم به شرط آنکه فلان عیب را در خود اصلاح کنی یا فلان کار زشت را دیگر انجام ندهی، آیا برای رسیدن به آن پول یا شغل پردرآمد، خواستهٔ او را برآورده نمی‌کنیم؟ آیا قریباً الی المال به تهذیب نفس خود نمی‌پردازیم؟! واقعاً عجیب است. چگونه حاضریم برای بهتر شدن دنیای خود، اهل ورع و تقوا شوم، امّا وقتی نوبت به خدا و امام زمان علیه السلام می‌رسد، همّت چندانی نمی‌کنم و اهمّیت زیادی به رفع موانع برای

۱. بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۲۰، ح ۲۸، به نقل از فلاح السائل.

رسیدن به خواسته‌های معنوی خودم نمی‌دهم!

اکنون از خود پیرسیم: تا کنون به خاطر اینکه دعایم در حقّ امام زمانم مستجاب شود، از چند گناه دوری کرده‌ام؟ آیا تا کنون اتّفاق افتاده است که از ترس اجابت نشدن دعایم برای تعجیل فرج، از نگاه به نامحرم چشم‌پوشم؟ یا از شنیدن موسیقی حرام بگذرم؟ یا از خوردن مال حرام اجتناب کنم؟ و یا ...

شیطان قطعاً از دعا برای تعجیل فرج ناخرسند است و همه تلاش خود را به کار می‌بندد که کسی سراغ این عبادت ارزشمند نرود و تا جایی که می‌تواند، کاری می‌کند که اهل دعا برای تعجیل فرج کمتر شوند. اما اگر کسی از این دام شیطان بگریزد و دعا برای حضرت جزء برنامه زندگی‌اش قرار بگیرد، آنگاه شیطان از در دیگری وارد می‌شود تا دعاهایش را بی‌ثمر کند و آن این است که گناهانش را نزد او کوچک و ناچیز جلوه می‌دهد. وقتی انسان گناهش را بزرگ بشمارد و از ارتکاب آن به حال خوف نیفتد، طبیعتاً از آنها احساس پشیمانی و سرافکندگی شدید هم نمی‌کند و تصمیم به ترک آنها هم نمی‌گیرد. آن وقت چه بسا فکر کند که به سبب دعا برای امام عصر (علیه السلام) نزد خدا و ایشان محترم و عزیز است و حتّی در دل به خاطر دعاهایش منتی هم سر آنها بگذارد، امّا نمی‌داند که همین بی‌تفاوت بودن نسبت به گناهان ممکن است مانع استجاب دعا بشود و مقبول درگاه الهی قرار نگیرد.

پس بیاییم به خاطر آنکه دعاهایمان در حقّ مولایمان به اجابت نزدیک شود، به همان اندازه که به دعا کردن اهمّیت می‌دهیم و به آن عمل می‌کنیم، به تهذیب نفس خویش از آلودگی گناهان نیز اهمّیت

دهیم و در کنار اصرار و الحاح در دعا برای تعجیل فرج، بر توبه از گناهان خود نیز اصرار بورزیم و به انجام هیچ معصیتی راضی نشویم. عیب‌های خود را بزرگ و درشت بینیم و دیگران را به خاطر اموری که خودمان به آنها مبتلا هستیم، سرزنش نکنیم و اعتراف به تک‌تک گناهان و اقرار به آنها را مقدّمه دعا برای تعجیل فرج مولایمان قرار دهیم تا امیدمان به تأثیر دعاهایمان بیشتر گردد.

ذکر خاطره‌ای که مرحوم صاحب مکیال المکارم در کتاب شریف خود آورده، در همین خصوص شنیدنی است. ایشان از برادر ایمانی خود جناب آقا میرزا محمد باقر فقیه ایمانی رحمته الله نقل کرده‌اند که ایشان در خواب (یا بین خواب و بیداری) به محضر امام حسن مجتبی علیه السلام مشرّف شده است، سپس فرمایش آن حضرت را چنین نقل به معنا می‌کند:

بالای منابر به مردم بگویید و ایشان را امر کنید تا (ابتدا) توبه کنند و (سپس) برای فرج حضرت حجت علیه السلام و تعجیل در ظهور ایشان دعا کنند. این دعا مانند نماز میت واجب کفایی نیست که با انجام دادن بعضی مردم از دیگران ساقط شود، بلکه همچون نمازهای یومیّه است که انجام آن بر فرد فرد مکلفین واجب است.^۱

ملاحظه می‌شود که در فرمایش منقول از حضرت مجتبی علیه السلام ابتدا امر به توبه و سپس دستور به دعا برای تعجیل فرج ذکر شده است. بنابراین یکی از شرایط مؤثر در اجابت این دعای شریف، توبه از

گناهان است. نکتهٔ دیگر در فرمایش امام علیه السلام واجب عینی دانستن دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام است که نشانگر اهمّیت خاصّ این عبادت بزرگ می‌باشد.

